

### متن پرسش

سلام: بعد از سالها همراهی با این انقلاب دلم میخواد زندگی کنم! شما نمی‌دونید چقدر عاشق زندگی‌ام. دوست دارم معمولی مثل همه مردم دنیا زندگی کنم ولی خب نشده تاحالا چون شرایطش نبوده. هر چیزی حتی ساده ترینها ممکن نیستند. زمانی که انسان جانانه نزد خودش زندگی نکنه و هر عمل بزرگی ممکن خواهد بود برای انسان خودیافته ای که انسانیت در او راه یافته باشد. فرق خواسته من از زندگی کردن، با آلبرکامو یا نیچه زیاده! من نه زمین گیری و جوشش احساسات از سر ناچاری را پذیرام و نه تسلیم پوچی شدن را و نه تکذیب واقعیت ها را. برای من زیستن قبل از حضور زندگی حقیقی شبیه یک شهربازیه که باید در آن تفریح کنم، تا زمانی که « زندگی» پیداش شه. و شما نمی‌دانی چقدر از ضعف و ترحم بدم میاد ... اینقدر ناراحتم که مردم امام حسین علیه السلام رو به ضعف یاد می‌کنند در حالی که ای مردم نامرد، او را مردم کشتند.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خداوند خودش ما را برای زندگی کردن خلق کرده و راه آن را مقدر می‌کند. باید خود ما همت کنیم در تقدیرات الهی حاضر شویم. کتاب «جایگاه رزق در هستی» نکاتی در این مورد دارد به آن کتاب که روی سایت هست، می‌توانید رجوع کنید. موفق باشید